

لخت اسکار را هم دیدیم



مهرداد جلیل زاده خبرنگار گروه فرهنگ

جان سینا با ظاهری برهنه روی سن جشن آکادمی اسکار حاضر شد تا برنده جایزه بهترین طراحی صحنه و لباس را اعلام کند. تنها خبری که خیلی‌ها در سرتاسر دنیا از مراسم اسکار نود و ششم فهمیدند همین بود و بس. یعنی اگر همین اتفاق هم نمی‌افتاد، از اینکه دوسه شب پیش مراسم جشن آکادمی برگزار شد، خبردار نمی‌شدند. برای آنها همین خبر یکی دو خطی هم صرفاً از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که یک نفر در مراسمی رسمی برهنه شده است و سینمایی با سیاسی و یا علمی بودن مراسم برایشان فرقی نمی‌کند. یعنی حتی با چنین نمایش عجیبی باز هم خود سینمای آمریکا موضوعیت پیدا نکرد. در فرهنگ ایرانی وقتی تلاش بیش از حد یا حتی دیوانه‌وار یک نفر برای جلب توجه را می‌خواهند بیان کنند، از تمثیل لخت شدن استفاده می‌کنند. یعنی طرف دیگر هیچ چیز در چنته ندارد تا رو کند جز اینکه برهنه شود. مثلاً می‌گویند وقتی کسی پلد نیست مردم را بخنداند، سلولارش را پایین می‌کشد و اگر به اعتراض توجهی نمی‌شود و نمی‌تواند بقیه را بگریاند، پیراهنش را درمی‌آورد. این تمثیل و این نوع نگاه به برهنه شدن در انظار عمومی، مختص فرهنگ ایرانی نیست و خیلی از مردم دنیا در جاهای دیگر هم قضیه را همین‌طور می‌بینند. به وضوح آنچه به طور کامل برنامه‌ریزی شده‌ای در شب جشن آکادمی اجرا شد هم با همین نیست صورت گرفت و حتی هجوی بود بر موارد قبلی که چه در این مراسم و چه در جاهای دیگر، کسانی برای جلب توجه از افکار عمومی نسبت به موضوعی خاص، از ترفند برهنه شدن استفاده کرده بودند. در زبان انگلیسی اصطلاحی هست با عنوان استریکینگ Streaking به معنای برهنه دویدن در یک مکان عمومی برای تبلیغات، شوخی، نمایش جرات و یا اعتراض. در سال ۱۹۷۴وقتی دویودنیون، مرد خوشتیپ و بداخلاق وسترن‌های کلاسیک، روی صحنه آمده بود تا الیزابت تیلور را به عنوان برنده جایزه بازیگری اعلام کند، مردی به نام رابرت اوپل که به عنوان عکاس وارد مراسم شده بود، به طور کامل برهنه از پشت سر او دید و از همین طریق به شهرت رسید. اوپل مدیر بازرگانی یکی از شرکت‌های پخش‌کننده فیلم بود و عملی که انجام داد توسط تهیه‌کننده‌ای که با او کار می‌کرد طراحی شده بود؛ هرچند باقی برگزارکنندگان مراسم از این قضیه بی‌خبر بودند. اوپل ۵ سال بعد در حالی که ۳۹ ساله بود به طرز کاملاً فغانگیرکننده و مضحکی در جریان یک سرق

چه فیلمی محبوب آکادمی است و چه فیلمی نیست

اسکار علیه اسکار



ایمان عظیمی خبرنگار

نود و ششمین دوره از مراسم اسکار در سالن دالی تیه‌تر شهر لس‌آنجلس برگزار شد و برندگانش را شناخت. این دوره هم از فاتحانی پرسروصدا و بازننگانی نام‌آشنا بی‌نبره بود؛ یک طرف کریستوفر نولان و رفقایش حضور داشتند که بالاخره توانستند جوایز را دوره کرده و باالی خندان به خانه بیزند و در طرف دیگر اسکورسیزی و دارودسته پیزانه سرش حضور داشتند که هیچ چیز نصیب‌شان نشد. اسکار و جوایزش به خودی خود نباید اهمیتیی برای مخاطبان جدی‌تر یا به قول معروف «سینت‌فیل‌ها» داشته باشد و طبیعتاً برای ما هم در ذات خود اعتباری ندارد اما چیزی که در این میان اهمیت پیدا می‌کند پیامی است که از جانب آکادمی علوم و هنرهای سینما به فیلمساز و مخاطب انتقال داده می‌شود. سینما اکنون بیش از هر زمان دیگری به سمت سهل‌الوصول شدن پیش می‌رود و اغلب برای جلب رضایت اعضای آکادمی و کسب جایزه در تلاشند تا فکری به حال نحوه بازنمایی پیام مد روزی که در دستور کار قرار گرفته است بکنند و جایزه را از دست رقیب خود قاپ بزنند. کافی است به فهرست برندگان و منتخبان دوره نود و ششم اسکار نگاهی بیندازیم تا تکلیف‌مان نسبت به پلبشویی که در حال تخریب ذات

چارسو

موضع مشاور وزیر ارشاد

نسبت به ماجرای درمانگاه قم

درحالی‌که هنوز هیچ مقام دولتی و قضایی توضیح شفافی درباره جزئیات ماجرای درمانگاه قم ارائه نداده، اما شاهد موضع‌گیری متناقض مسئولان دولتی هستیم. دیروز سکینه سادات پاد، دستیار رئیس‌جمهور در نشست خبری گفت: «اینکه دوطرف با خشونت با هم صحبت می‌کنند، خوب نبود و مواجهه طرفین با هم نایب‌بایست. اما چه شده که روحانی طلبه برای امر به معروف، فیلم می‌گیرد و...، این موضوع نیازمند آسیب‌شناسی جدی است.» اما موضع میثم نبلی، مشاور وزیر ارشاد و برادر داماد رئیس‌جمهور در شبکه‌ه ویراستی قابل تأمل بود که گفت: «اگر آن طلبه از خانم هتاک عکس هم گرفته بود، خطا نکرده بود.» عکس منتشرشده از یک روحانی جوان در درمانگاهی در قم که ظاهر مشغول فیلمبرداری از یک زن است، بازتابی گسترده در شبکه‌های اجتماعی داشته است. زن که به همراه نوزاد در گوشه‌ای از درمانگاه روی زمین نشست، با روحانی‌ای مواجه می‌شود که در حال فیلمبرداری از اوست. همین موضوع سبب درگیری میان زن جوان و روحانی‌ای که در حال فیلم گرفتن بود، می‌شود.



سینماست مشخص شود.

امسال نولان پس از سال‌ها فیلم ساختن و جایزه نگرفتن در اسکار بالاخره توانست با جلب نظر اعضای آکادمی به عنوان فاتحی بی‌چون‌وچرا نامش را در تاریخ این جشن سینمایی حک کند و دیگران را به تحسین از خود وادارد. اما سیاست‌هایی که منجر به میدان‌داری اوپنهایمر در اسکار امسال شد کاملاًنسبت مخاطبان، منتقدان و حتی فیلمسازان را با جریان اصلی سینما تاخود زیادی مشخص می‌کند. در طرف دیگر ماجرا، اسکورسیزی همیشه مغضوب حضور داشت که علی‌رغم تحسین‌های مکرر و گاه غلوشده‌ای که حواله فیلمش کردند بدون هیچ دستاوردی سالن را ترک کرد و به خانه رفت.

اما این نگرش از طرف اعضای آکادمی کاملاً قابل فهم است. اوپنهایمر حرف روزی است که باید به تمام دنیا مخابره شود و قاتلان ماه گل فیلمی نیست که بتوان با آن مردم دیگر نقاط دنیا را تحمیق کرد. اما داستان این دو فیلم چیست؟ و می‌خواهند بیرون از صحنه آکادمی و فصل جوایز چه پیامی را به دیگری القا کنند؟ نولان با روایت مهم‌ترین پرش از زندگی جسی. اربرت اوپنهایمر یعنی به سرانجام رساندن پروژه منهن به منظور ساخت بمب اتمی پیام تأمل‌برانگیز و خطرناکی را به مخاطبانش در سراسر دنیا صادر می‌کند که به لطف جادوی عالم‌گیر سینما زواریایش آن‌طور که باید شناخته

نمی‌شود و در میان خیل تیریک‌ها و کف‌زن‌ها محو می‌گردد. آمریکا به‌واسطه سینما تبعات استفاده از قدرت سنخستش برای حاکم شدن بر کل دنیا را نرمالیسه می‌کند و نولان با قهرمان ساختن از جنایتکاری همچون اوپنهایمر در این صحنه‌آرایی مهوع در قالب نقشی محوری فرو می‌رود تا از سیاست‌های عصر جدید آکادمی برای تحویل گرفتن یا نگرفتن آثار پرده‌برداری کند. در حقیقت این نولان است که به استفاده از بمب اتم قداست می‌بخشد و بر وجدان آمریکایی‌های معذب و نگران مرهم می‌گذارد تا آنها عمل شنیع استفاده از بمب اتم برای مشخص شدن وضعیت جنگ دوم جهانی را امری کاملاًعادی و مرسوم تلقی کنند. پیام دنیای آزاد این است که ما هیچ حد و حدودی برای حمله به مواضع کسانی که دشمن خطاب‌شان می‌کنیم نداریم و اگر شرایط به این سمت پیش برود باز هم دست به چنین اقداماتی خواهیم زد؛ در همین رابطه نیز سینمای آمریکا وظیفه دارد واقعیت آینده را در ذهن مخاطبان هدفش جا بیندازد و گذشته را آن‌طور که علاقه دارد برسانخته و روایت کند و در انتها به فیلم‌هایی که با پیروی از این منطق ساخته می‌شوند جایزه دهد. اما ساختاری که به نولان و اوپنهایمرش اسکار می‌دهد، اسکورسیزی را نادیده می‌گیرد، چون قرار نیست برای روایت کشتار گسترده سرخپوست‌ها، به‌عنوان صاحبان اصلی آمریکا چیزی نصیبش شود.

درخواست ستارگان اسکار

برای آتش بس در غزه

درحالی مراسم اسکار ۲۰۲۴ برگزار شد که فضای کلی مراسم به گزارش رسانه‌ها، متأثر از ماجرای غزه بود. برخی خوانندگان و بازیگران با یک نشان سرخ روی سینه که با شعار «آتش بس برای غزه» و توسط یک گروه هنری طراحی شده بود، روی فرش قرمز حاضر شدند. این علامت مربوط به کمپینی است که در آن بیش از ۴۰۰ هنرمند با امضای نامه سرگشاده‌ای به جو بایدن خواستار «کاهش تنش و آتش‌بس فوری در غزه» شدند. اما ماجرا فقط به همین جا ختم نشد و این درحالی بود که جاناتان گلپزرس از دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم برای «منطقه مورد علاقه» در سخنانی مطرح کرد: «فیلم ما نشان می‌دهد که انسان‌زدایی در بدترین حالت به کجا منجر می‌شود. این گذشته و حال ما را شکل داده است. همه جانب‌ختگان جنگ در غزه قربانی این انسان‌زدایی هستند.» یک گروه فیلمساز فرانسوی هم با پرچم فلسطین مقابل دوربین‌ها حاضر شدند و کارگردانی که فیلمی در مورد هولوکاست داشت، روی سن جشنواره از اینکه هولوکاست زمینه‌کشتار مردم بی‌گناه فلسطین را فراهم کرده، انتقاد کرد.



اسکورسیزی هرچند با بازنمایی تقلیل‌گرایانه تاریخ، قلع و قمع شدن سرخپوست‌های قبیله اوسیچ را به گروهی مافیایی و خودسر نسبت می‌دهد و چشمانش را روی جنایات سازمان‌یافته سفیدها می‌بندد اما در نهایت با یک نگاه محافظه‌کارانه سعی کرده است تا حداقل بخشی از درد و رنج‌های این گروه را به تصویر درآورد و هم مسلمان سفیدپوست را مجازات کند و خب طبیعتاً این اتفاق مساله‌ای نیست که رضایت آکادمی را به همراه بیاورد. البته باید این نکته را ذکر کرد که اسکورسیزی چندان مورد علاقه اسکار نیست و اگر قاتلان ماه گل را نیز به گونه‌ای دیگر می‌ساخت باز هم تضمین خاصی برای دریافت جایزه‌اش وجود نداشت، ولی اینکه نه خودش و نه دست‌اندرکاران فیلمش بدون هیچ دستاوردی دالی تیه‌تر را ترک کنند تنها به بعد جدید سیاست‌های اسکار در نحوه انتخاب برگزیدگانش بازمی‌گردد.

آکادمی درست در زمانی که صهیونیست‌ها بدون وقفه غزه را می‌کوبند، دور سر جاناتان گلنیز و نولان می‌گردد و برای آنها به خاطر بایبندی‌شان به نظم کنونی دنیای مدرن فرش قرمز پهن می‌کند و از کرده خویش هم به‌هیچ‌عنوان سرافکننده نیست. البته برخی بیان می‌کنند که سینما با اعطای اسکار به نولان به اصل خویش بازگشته است اما این‌گونه که آنها فکر می‌کنند نیست و اسکار و باقی جشن‌ها و جشنواره‌های سینمایی تنها جنبه‌ای تازه از مواجعه خود با مسائل گوناگون رابرایمان روشن کرده‌اند.

مدیریت فرهنگی

مانند مدیریت یک اداره معمولی نیست

علی نصیریان دوشنبه (۲۱ اسفند) در آیین نکوداشت خود در تالار سنگلج گفت: «ما از سال ۱۳۴۳ که در حال ساخت اینجا بودند تا سال ۱۳۵۶ در اینجا زندگی و کار کردیم. چیزی که در اینجا فراموش می‌شود، مدیران فرهنگی هستند که قرار است اداره و سازمان‌دهی کنند و این مدیریت فرهنگی مانند مدیریت یک اداره معمولی نیست و باید کار دقیق و حساب شده‌ای باشد.» این بازیگر پیشکسوت درباره نمایشنامه نویسی در تئاتر گفت: «کسانی که می‌خواهند نمایشنامه بنویسند باید از پیشینه نمایشنامه ایران اطلاع داشته باشند. من نمایشنامه‌نویس نیستم و ادعایی هم ندارم. من بازیگر بودم و اگر کارگردانی می‌کردم، به‌عنوان سردسته بودم. چون درس آن را نخوانده بودم.» نصیریان افزود: «به کسانی که می‌خواهند تئاتر ملی کار کنند، باید بگویند که در تئاتر ملی چه کسانی به میدان آمدند. اجزای نمایشنامه را باید بفهمند. باید بدانند کاراکتر، درگیری‌ها و زبان چیست. زبان یکی از ارکان مهم است و باید آگاه به این مسائل شوند و سابقه کار را بدانند.»

